

جوانان حکمتیست ۲۲

سازمان جوانان کمونیست = حکمتیست

سر دبیر: فواد عبداللهی foadsjk@yahoo.com
 دبیر سازمان: بهرام مدرس bahramsjk@yahoo.com



۶ بهمن ۱۳۸۳ - ۲۵ آذر ۲۰۰۵ www.sjk-hekmatist.com سه شنبه ها منتشر می شود



فستیوال آدم برفی ها و نمایش مدرنیسم در کردستان!



فواد عبداللهی

روز جمعه شهرهای کردستان شاهد برگزاری و شرکت هزاران نفر از مردم در فستیوال آدم برفی ها در دفاع از حرمت و حقوق کودکان بود. خیابان ها مملو از پلاکاردها و شعارهای مدرن و انسانی از جمله "اعدام ممنوع"، "تحقیر و آزار و شکنجه کودکان ممنوع"، "هر گونه خشونت بر کودکان ممنوع"، "استثمار کودکان ممنوع"، "اول کودکان تا بهتر زندگی کنیم"، امروز و فردا، دوباره محکومیت به پرورش آنها در ارتجاع و سیاهی را امضاء کند. ما نمی خواهیم روحیه بچه ها و کودکانمان با خرافه ملی، منفعت اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و مذهبی آغشته شود. فستیوال آدم برفی کودکان ثابت کرد که به سنتی واقعی در مبارزه بشریت مدرن برای ساختن دنیایی آزاد و برابر تعلق دارد.

روز جمعه شهرهای کردستان شاهد برگزاری و شرکت هزاران نفر از مردم در فستیوال آدم برفی ها در دفاع از حرمت و حقوق کودکان بود. خیابان ها مملو از پلاکاردها و شعارهای مدرن و انسانی از جمله "اعدام ممنوع"، "تحقیر و آزار و شکنجه کودکان ممنوع"، "هر گونه خشونت بر کودکان ممنوع"، "استثمار کودکان ممنوع"، "اول کودکان تا بهتر زندگی کنیم"، امروز و فردا، دوباره محکومیت به پرورش آنها در ارتجاع و سیاهی را امضاء کند. ما نمی خواهیم روحیه بچه ها و کودکانمان با خرافه ملی، منفعت اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و مذهبی آغشته شود. فستیوال آدم برفی کودکان ثابت کرد که به سنتی واقعی در مبارزه بشریت مدرن برای ساختن دنیایی آزاد و برابر تعلق دارد.



آماده باش، برای ۸ مارس! کلارا چگینی



نجیب بودن، معنا و مفهوم به خود می گیرد. اگر چند دقیقه بیشتر در مورد سنگسار زنان، حجاب اجباری و آپارتاید جنسی در ایران، برای معلم توضیح می دادم، شرط می بندم دیوانه می شد و سر از تیمارستان در می آورد. هر چه باشد مردم اروپا طناب دار و سنگ و زندان و شلاق حکومت های وحشی و جانی مثل جمهوری اسلامی را بر گردن، سر و صورت و زندگی روزانه شان تجربه نکرده اند. مبارزه علیه ستم کشی زن و مظاهر آن از جمله حجاب، مستقیما تمام اقتدار و موجودیت حکومت اسلامی را به زیر سوال میبرد. زنان باید به عنوان بازیگر صحنه سیاست وارد شوند و قدرت سیاسی و قوانین حاکم بر سرنوشت جامعه را دگرگون کنند. با ایفای نقش در حاشیه نمی توان کاری کرد. ۸ مارس روز مناسبی است که پیمان تازه کنیم و برای به زیر کشیدن حکومت جلاخان اسلامی با تمام قوا به میدان بیاییم.

۸ مارس روز جهانی زن در راه است. روز مردم آزادیخواه، برابری طلب و بشر دوست در سراسر دنیا. در این روز صدای پای معترضین به بردگی و ستم کشی زن به گوش می رسد. مسیبین و مدافعین نابرابری زن در این روز لرزه بر اندامشان می افتد. از ارکان بقاء وضع موجود و زندگی در دنیای امروز، پاشیدن رنگ و لعاب مردسالاری به درجات مختلف بر سر و صورت جامعه است. اما وضعیت زندگی زنان در ایران بسیار متفاوت تر از دنیای غرب است. همین برابری صوری که در اروپا بین زن و مرد ایجاد شده است محصول ۱۰۰ سال مبارزه بشریت رادیکال علیه عقب ماندگی، سنتها، ارتجاع مذهب و کلیسا و مرد سالاری، و وقوع انقلاب اکتبر روسیه بوده است. در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بود که زنان برای اولین بار حق رای بدست آوردند و برابری کامل زن و مرد به قانون جامعه تبدیل شد.

کاندیداتوری ناهید ریاضی در انتخابات پارلمانی دانمارک

در روز ۸ فوریه ۲۰۰۵



ص ۴ ←

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

علی راستین

فواد عبدالهی سردبیر نشریه جوانان حکمتیست به نظر من آدم خوش ذوقی است. برای نشریه عکس‌های خوبی انتخاب می‌کند اما در سایت "پیشروان آزادی بیان" مطلبی دیدم که نسبت به عکسهای نشریه معترض بود شخصا حال و حوصله خواندن این مطالب را ندارم و راستش را بخواهید مقاله را کامل نخواندم چون حس می‌کنم مطلب مانند مسلمین به جای اینکه مستدل صحبت کند دارد از اتفاقات افتاده در جلسات حزب صحبت می‌کند که من نه در جریانش هستم و نه دوست دارم در جریان باشم اما مقایسه‌ای کردم که می‌خواهم این را با شما در میان بگذارم. من خودم هر هفته نشریه جوانان حکمتیست را به چندین نفر از جوانان می‌دهم و از همه شان می‌خواهم که نظرشان را در مورد مطالب نشریه بگویند البته این بچه‌ها به تعبیر این مطلبی که در سایت "پیشروان آزادی بیان" بود، "چپ" نیستند روی کره مریم زندگی نمی‌کنند آدم‌های واقعی هستند با دو تا پای روی زمین، با سلیقه موسیقایی خاص خود، با هنر خاص خود و با فرهنگ و آمال و آرزوهای خاص خودشان که خوب یا بد (که به نظر من خیلی هم خوب) بیش از ۸۰ درصد نسل جوان ایران را تشکیل می‌دهند قبل از اینکه بخوام نظر این دوستان را برای شما بگویم می‌خواهم چیز دیگری را هم برایتان بنویسم یکی از دوستان کمونیست-حکمتیست به من تلفن زد و گفت فواد اشتباه کرده که این عکس را زده، مردم صدایشان در می‌آید قبول نمی‌کنند و اینکه این عکس‌ها خیلی زود است.

من هم همان لحظه به حرف‌های این دوست سمپاتی پیدا کردم و فکر کردم که راست می‌گوید حتی می‌خواستیم برای فواد انتقادی هم بنویسم و از او بخوایم که کمی شئونات اسلامی و شرقی را رعایت کند البته این دوست ما مثل صاحب مقاله‌ای که در سایت "پیشروان آزادی بیان" است، پیدا بودن بدن انسان را نشانه بورژوازی نمی‌دانستند و می‌گفتند ما با این مسائل مشکلی نداریم ولی مساله من برخورد جامعه و به خصوص جوانانی هست که این نشریه را می‌خوانند می‌گفت ممکن است از ما زده شوند حالا ببینید برخورد جوانانی که نشریه را به آنها می‌

عکس سکسی، سمبل امپریالیسم!

اشکال از دید به غایت عقب مانده، شرقی، مذهبی و از مرحله پرت این نوع تفکر و دید سنتی است. من به این اشخاص می‌گویم بروید متمدن شوید، اما امیدوارم جمله حکیمانه استاد "مطهری" را تحویلیم ندهند که: "اگر برهنگی نشانه تمدن است پس حیوانات متمدن ترینند!" اصلاحش کن حرف را ایرانی‌های که شما داشتید را ندارد پس می‌گیرم شما نمی‌خواهد مثل نسل جوان جامعه ایران لباس بپوشید اما این واقعیت را درک کنید که جوان ایرانی‌های که شما داشتید را ندارد



فرهنگ مردسالار و شرقزدگی!

بسیاری از جوامع غربی، در فضای سیاسی و اجتماعی ایران جاری نشوند، بلکه نفوذ بسیاری از این ایده‌ها و آرمانها با دشواری و سد روبرو گردند حفظ ارزشهای ملی و سنتی و ضد مدرنیسم یعنی "ضد غربزدگی" همواره در برابر گسترش حقوق فردی و اجتماعی زنان و آرمان برابری زن و مرد مقاومت کرده و از این رو فرهنگ ایرانی همواره فرهنگی ضد زن و مرد سالار بوده و سنتهای ایرانی بویژه آنجا که پای موقعیت اجتماعی زن در میان بوده، چیزی جز توهین، حقارت و فرودستی نسبت به زنان نبوده است. **جوانان حکمتیست: آنچه شرقزدگی و غربزدگی نامیده می‌شود در واقع هر ایده آزادخواهانه در مقابل سنت پرستی عقب مانده است. سنت خودی و فرهنگ شرقی در مقابل فرهنگ و سنت غرب لطفاً با توجه به این تضاد و تناقض به مساله جهانشمولی حقوق انسان بپردازید. در این مورد چه فکر می‌کنید؟** **اعظم کم گویان:** شرقزدگی و فرهنگ اسلامی از موانع جدی تأمین حقوق جهانشمول انسان هستند چون انسان را بر حسب



غربزدگی" و یا شرقزدگی انعکاس این آرمان بود. این بازگشت به گذشته، بخودی خود متضمن حفظ سرسختانه ارزشهای ارتجاعی در مورد زنان بود نظیر اینکه زنان حامل و حافظ خون و نسل و سنت و غیرت ملی هستند از این رو هر نوع تمایل مترقیانه از جانب زنان و مردان و برای کسب حقوق برابر و انسانی زن در جامعه با تکفیر و نفرت این آرمان ارتجاعی روبرو میشود "ضدامپریالیسم" ارتجاعی، تنگ نظری و احساس حقارت ملی و دفاع از منفعت "خودی" در مقابل "بیگانه"، موجب شده که نه تنها دفاع از حقوق فردی و مدنی انسان، جدایی مذهب از دولت و آزادی و حقوق برابر زنان، بعنوان ارزشها، قوانین و ایده‌های برخاسته از غرب و رایج و نافذ در

گفتگو با اعظم کم گویان
azam_kamguian@yahoo.com

جوانان حکمتیست: فرهنگ ناسیونالیستی و مذهب از موانع مهم آزادی جوانان است. لطفاً برای خوانندگان هفتگی ما توضیح دهید که نتایج این فرهنگ و حاکمیت آن در ایران به چه دورانی بر می‌گردد؟ **اعظم کم گویان:** زمینه‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری این فرهنگ و افق، به چگونگی حاکمیت سرمایه داری در ایران مربوط است. حفظ منافع "خودی" و "ملی" سرمایه داری خودی در مقابل سرمایه بزرگ، مخالفت با مدرنیسم و ماشین که نه متعلق به "خودمان" بلکه از آن "بیگانگان" است، پایه عینی این گرایش بود در ضدیت با مدرنیسم و تأثیرات آن بر زندگی کارگران که توسط سرمایه داران استثمار میشدند و برایشان فرقی نمی‌کرد که توسط "خودیها" یا "بیگانگان" استثمار میشوند. بورژوازی "خودی" در عرصه حقوق انسانی و ارزشهای اجتماعی، پرچم بازگشت به گذشته و رجوع به ریشه‌های خودی را بلند کرد "ضد

نگاهی به ریشه های مذهب در سیاست ایران



**بحثی با
آقای
جعفرزاده
ایرج فرزند**

iraj.farzad@gmail.com

آقای جعفرزاده در یک نوشته نسبتاً مفصل در باره نقش مذهب در سیاست ایران، فراتر از آنچه در دیرین سیاست "انگلیسیها" در اوضاع ایران بحث کرده است، من در این نوشته کوتاه به دیدگاه ایشان در مورد نقش مذهب در سیاست جامعه ایران اشاره ای میکنم. راستش من از محتوای پیام دوست عزیز آقای جعفرزاده سر در نیاوردم نه فقط بخاطر اینکه نوشته اش را در دفاع از گرایش ملی سلطنتی دیدم، بخاطر اینکه اتفاقاً روشن و بدون ابهام از گرایش سیاسی خود دفاع نکرده اند من واقعاً قلمند بودم ببینم که نوشته چه راهی را پیش پای مردم میگنارد و در برابر سوالاتی که مثلاً در رابطه با فراندوم شده است، آنترناتیو اثباتی ایشان چیست؟ چیزی دستگیرم نشد جز اینکه انقلاب ۵۷ را حاصل برخی سوتفاهمها و مقاله آقای داریوش همایون علیه خمینی در دوره شاه و با نام مستعار دیده اند بحثی کرده اند که به نظر من نه مستدل است و نه سیاسی و علمی، همه تحولات جامعه ایران را ربط داده اند به مکاری دیرین "انگلیسیها" و نوعی خاصیت جادویی برای مذهب تصور میکنند در رابطه با همان انقلاب ۵۷ (که ممکن است ایشان با تعبیر انقلاب نامیدن آن چوب تکفیر علیه من بردارند) کتابها نوشته شده اند، تحلیلها ارائه شده اند و بحثهای مستدل و سیاسی شده است. من ممکن است با بسیاری از تحلیلها و تفاسیری که بر فاکتورهای آن تحول (اگر نخواهم از کلمه انقلاب استفاده کنم) سوار شده است موافق و یا مخالف باشم، اما بالاخره من با یک استدلال که مقدمه و موخره و نتیجه گیری دارد روبرو هستم. تصور نمیکنم بتوان با تعبیر اسرار آمیز و خاصیت جادویی سیاست انگلیسیها و ساده لوحی "ذاتی" ما ایرانیها بتوان حتی یک تصویر روشن از اختلاف بر سرارزیایی از اوضاع کشور ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی و تحلیلی بر تحولات معاصر جامعه ایران بدست داد بطور گنگ و کلی اشاراتی به نقش مذهب در سیاست ایران داشته اند، اما من نتوانستم بفهمم چگونه شد یک گرایش حاشیه ای در جامعه ایران که مورد تمسخر عمومی بود، یکباره در سالهای منتهی به ۵۷ میداندار شد؟ توضیح "حیات" توده ایها و "همه چیز زیر سر انگلیسیها بود" زیاد علمی نیست، آقای جعفرزاده نوشته اند "کما اینکه دیدیم در سال ۵۷ این بی بی سی بود که خمینی را به مردم ما قالب کرد". من هم تعبیر و توضیح خودم را برای "قالب کردن" خمینی دارم چون فکر میکنم یک تعبیر

پادشاه اسلام برقرار بادهای عنوان ارزشهای فرهنگی ایران باستان از طرف بالاترین مقامات اداری و وزارتخانه ها و تربیت بدنی و آموزش و پرورش و ورزش در مراسم هر بازدید مقامات خارجی نمایش داده میشدند؟ میخوامم اتفاقاً بگویم اگر برخی جوانب نتیجه گیریهای آقای جعفرزاده حتی اگر بعضاً درست هم باشند، فاکتورهای آن نادرست اند تحلیل من این است که پس از کودتای ۳۲ و سیر سرمایه داری شدن جامعه ایران، آن گرایش همگرایی با مدنیت غربی در جامعه ایران همراه با فرهنگ و استایلهای زندگی بشدت در نسوج جامعه شهری ایران رشد کردند، جامعه اساساً جامعه ای مذهبی نمائند بود، اما آن بخش از بقایای تولید فتودالی، اقتصاد دوره راسته بازارهای فتودالی و بازار سرمایه تجاری و سنتی به شدت به حاشیه پرتاب شدند، از نقش شان در اقتصاد جامعه کاسته شد و تولید فراکشوری تر جای را بر آنها تنگ کرد این اقتصاد میرا و حاشیه ای شده منبع یک انتقامجوئی اقتصادی و در همان حال اجتماعی بود. انقلاب ۵۷ در عین اینکه جنبش وسیع مردم شهری، کارگران کارخانه های بزرگ از جمله شرکت نفت و جنبش وسیع آزادیخواهی علیه استبداد و اختناق ساواک و رژیم شکنجه بودند، در عین حال فرصتی هم فراهم کرد برای عروج این گرایش شکست خورده و به حاشیه تاریخ رفته جامعه ایران که از همان دوران مشروطیت از تجدد خواهی نفرت انبار کرده بود. دلیل و علت اصلی در هم تنیدگی دو اعتراض متناقض، یکی رو به عقب و مشروعه چی و دیگری پیشرو و آزادیخواه، تقابل و همسانی در مواجهه با رژیم بود که دیکتاتوری و خفقان رژیم شاه بنیانگذار آن بود. یک عامل مهم عروج این گرایش بشدت ارتجاعی و ماقبل مشروطیت، آلودگی و اسلام زدگی "چپ" است که من باز دلیل اساسی این حقیقت تلخ را هم در استبداد سلطنتی و ممنوع کردن آزادی بیان و نشر عقاید توسط این رژیم میدانم کتابی بود بنام اصول مقدماتی فلسفه که به فارسی ترجمه شده بود و فوق العاده نایاب بود و البته ممنوع این کتاب را شاید بتوان تنها منبع مهم در توضیح فلسفه و نگرش "مارکسیستی" در طیف چپ نام برد. بعدها که اورژینال آثار مارکس به زبانهای اصلی در فضای روشنفکری ایران راه باز کرد، تازه معلوم شد که کتاب اصول مقدماتی فلسفه که برای خواندن و دست بدست شدنش در دوره شاه عده ای دستگیر و شکنجه و زندانی شدند، چه بدآموزیهائی و چه تعبیر عامیانه ای از فلسفه و اقتصاد سیاسی را نمایندگی میکرده است، اگر نه دلیلی نباید وجود داشته باشد که چپ در اروپا مارکس و هگل و فوئر باخ و جدلهای آنان را بداند ولی در ایران چپ، سیاست و مبارزه فکری را فقط در چهارچوب محدود تاریخ ایران بفهمد و یا ناچار شود ورزشهای دست چندم ادبیات شکاکیت پسمادرنیستی را آنهم از زبان کسانی مثل حجابیان و جلائی پور بشنود و جالب این است که همین اسلام زدگی چنان در میان طیفهای راست و مذهبی و "چپ" گرایش ملی میهنی ریشه دار است که هنوز که هنوز است وزن استعارات عرفانی اسلامی "مولانا" و

حافظ در سیاست و تفسیرهای سیاسی "کارشناسان و مفسران" جای سنگینی دارد. دلیل اینکه در این سردرگمی و گم شدن شعارهای پیشرو و مدرن در اعتراض همگانی به رژیم شاه، شریعتی در حسینیه ارشاد عروج میکند و فاطمه را نماد ارزش مدرن شده اسلامی در برابر زن "فاسد" غربی بخورد بخشی از نسل جوان میدهد، اتفاقاً همان مواعی بود که رژیم شاه در برابر هر نوع مدرنیسم و سکولاریسم و لایته با شکنجه و ممنوعیت نشر آن ادبیات برپا کرده بود. من خود زندانی رژیم شاه در فاصله سالهای ۵۳ تا ۵۶ بودم، یک ابزار مهم ساواک و شهرداری در زندانها برای مبارزه با افکار "شرک آلود"، کتابهای چهار پنج جلدی مطهری، بود یک مورد از اتهامات من عدم اعتقاد به قرآن و شریعت اسلام و مورد اصلی برای کمونیست خواندن من شمرده شده بود. کتب مذهبی را با پول و کمیکهای رژیم شاه فراوان چاپ میکردند و چپ و روشنفکر جامعه می بایست در مراکز بشدت تحت تعقیب کتابها و جزوات دست چندم چپ را بیابد، آنها را با دستخط رونویسی کند و برای مطالعه به چند نفر دیگر با تقبل خطر بازداشت و شکنجه و زندان بخش کند زمینه رشد و تسلط گرایش اسلامی بر بستر همین شخم و بذر پاشی و ریشه کن کردن هر منبع اندیشه مدرن و لاییک و پیشرو بود که رژیم شاه تدارکاتچی مهم آن بود. چپ جامعه ایران و بافت شهری آن از منابع روشنگری زمان خود که همان وقت آزادانه در کشورهای اروپائی و در کتابخانه ها وجود داشتند محروم شدند به همین دلیل است که در آن بازار، نوشته هائی مثل نوشته چپ آن دوره در فقدان امکانات و ممنوعیت رسمی آزادی بیان و اندیشه، و باز گذاشتن عرض اندام گرایش آل احمدیسم و مشروعه طلب، پژواک ضعیفی یافت دلیل مسلح نبودن اندیشه ها با افکار مترقی و سوسیالیستی و عمیق و مدرن در همین عامل است. در هر حال آقای جعفرزاده در مورد فراندوم هم اظهار نظر کرده است که به نظر من از ابهام و توهم است و من پرداختن به این بخش را به وقت دیگری موکول میکنم. به نظر من بحث بیشتر در مورد علل عروج و افول موج مدنیته که در انقلاب ۵۷ خیز تازه ای بخود گرفته بود، یک بحث جالب و آموزنده است. برای تکرار نکردن خطاهای گذشته و به منظور استقبال از تحولاتی که جامعه ایران با آن روبروست و تشخیص ماهیت آن "رنسانسی" که مورد اشاره آقای جعفرزاده هم هست، بازبینی دقیق تر تحولاتی که به انقلاب ۵۷ موسوم است، حیاتی و مهم اند باید باز در این مورد نوشت. آقای جعفرزاده را فرامیخوامم که تا فرصتی دیگر برای جدلی دیگر، مقاله ارزنده تاریخ شکست نخوردگان نوشته منصور حکمت را حتماً بخواند این مقاله و دیگر مقالات راجع به تحلیل اوضاع سیاسی جامعه ایران را میتوانید در سایت www.m-hekmat.com خواند.

پاینده مدنیت و انسانیت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کاندیداتوری ناهید ریاضی در انتخابات پارلمانی دانمارک در روز ۸ فوریه ۲۰۰۵

ناهید ریاضی، از فعالین حقوق زندگی انسانی برای زنان و کودکان و از چهره های سرشناس در دانمارک، خود را برای نمایندگی در پارلمان دانمارک کاندید می نماید. انتخابات پارلمانی در دانمارک در ماه فوریه ۲۰۰۵ برگزار میشود.

ناهید ریاضی با برنامه انتخاباتی خود با عنوان "برای یک جامعه بهتر" برای حقوق برابر زنان، شرایط انسانی و مناسب برای تمام کودکان، لغو مذهب رسمی مسیحی، جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش و سیاست و دولت، مبارزه با احزاب و گروههای اسلامی و برای رفاه شهروندان جامعه و... در مبارزه انتخاباتی شرکت میکند.

ناهید ریاضی تاکنون با مقالات و مصاحباتش، با سخنرانیها و فعالیتهایش بر سر مسئله برابری زنان و بخصوص حقوق زنان مهاجر در دانمارک، تأثیرات بسزایی در جامعه و مباحث آن گذاشته است. با نظر قاطع و روشن خود درباره جلوگیری از دخالت امامان اسلامی و نیروهای مذهبی در زندگی زنان مهاجر و کودکان متولد شده در خانواده های متعصب مذهبی توانسته است جامعه را متوجه نقش مخرب این نیروها در انتگراسیون و ایجاد یک

ستاد انتخاباتی ناهید ریاضی شیوا فرهمند ۱۸ ژانویه ۲۰۰۵

گروپ جوانان حکمتیست در یاهو

<http://groups.yahoo.com/javananekomonist>

گروپ جوانان حکمتیست محلی برای پیشبرد اهداف و سیاست های انسانی، مدرن و امروزی است. شما می توانید با پیوستن به این گروپ برای شرکت در بحث و مجادله فعال شرکت کنید. در اینجا می توانید نظرات و تحلیلستان را بازگو کنید.

"جوان تریبون" ماهانه از سازمان جوانان کمونیست - مکتیست منتشر می شود

شماره اول "جوان تریبون" به سردبیری عباس رضایی در نیمه اول ماه فوریه منتشر خواهد شد "جوان تریبون" مجله ای از طرف جوانان و برای جوانان است "جوان تریبون" به مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد پرداخت. "جوان تریبون" محلی برای درج اظهار نظرهای شما خواهد بود "جوان تریبون" را بخوانید و به دیگران معرفی کنید

آدرس تماس: abbasrezaei2002@yahoo.com

ص ۲ →

اعتقادش یا تعلقش به این یا آن مذهب یا ملیت طبقه بندی می کنند و افق انسانی و جهانشمول جامعه را که می کنند فرهنگ شرقی را بطور اخص با مدنیت غربی به معنی برسمیت شناختن آزادیهای فردی و اجتماعی، آزادی بیان و عقیده، آزادی مذهب و لامذهبی، برابری زن و مرد و جدایی دین از دولت و غیره خصومت دارد و این ارزشها را متناسب و قابل کاربرد برای جوامع شرقی نمی بیند و می گوید با فرهنگ و سنت ما نمی خورد. اینجا پای بحث نسبیست فرهنگی به میان می آید که بنظر من پایه گذاران اصلی اش در درجه اول همان روشنفکران و نظریه پردازان جهان سومی از قبیل آل احمد و مشایبان آن در جوامع شرقی و جهان سومی بودند این سالها بعد بود که بر مبنای باطلاقی و متجارب فکری طراحی شده توسط آنها، آکادمیای غرب و محافل فکری و سپس دولتهای بورژوازی علم تز نسبیست فرهنگی را بلند کردند پایه مشترک تمام تئوریهای اینها با وجود تفاوتهایی که دارند، انکار حقوق جهانشمول انسان و تعریف هویت انسان بر مبنای دین و نژاد و فرهنگ ارتجاعی حاکم است که از قضا خود این انسانها قربانی دست اول آن هستند مدنیت غربی و ارزشهای ناشی از آن دستاورد بشریت هستند و کل جامعه بشری باید بتواند از این دستاوردها برخوردار شده و بر مبنای این ارزشها و قوانین و فرهنگ، یک زندگی انسانی داشته باشد جامعه ایران و بخش اعظم جمعیت آن یعنی زنان و جوانان دهه های متوالی است که تشنه آزادی و فرهنگ مدرن و انسانی و برابر بوده اند اما بدلیل حاکمیت فرهنگ ناسیونالیستی و شرقی یا اسلامی از آزادی و برخورداری از ارزشهای انسانی و

مدرن محروم شده اند در واقع این فرهنگ و مدنیت غربی، جهانشمول و مدرن نیست که با مردم و جامعه ایران بیگانه است، بعکس این فرهنگ و سنت و قوانین عتیقی که از ۱۴۰۰ سال پیش تا به امروز نگذاشته و نمی گذارد که اکثریت مردم و جامعه ایران زندگی راحتی داشته باشند با زندگی مردم در ایران بیگانه و ناجور است این شرقزدگی و اسلام است که با گروه خون مردم و بخصوص زنان و جوانان در ایران نمی خورد و باید آنها را به دور انداخت و از شرشان خلاص شد

جوانان حکمتیست تاریخ ایران شاهد

خوبی است بر اینکه آزادی و برابری در چهارچوب یک رژیم مساوات طلب، مترقی و سکولار قابل تحقق است برای رسیدن به چنین جامعه ای، جنبش جوانان و زنان چه مواعی را و چگونه باید از سر راه بردارند؟ اعظم کم گوین: زن ستیزی و خرافات ناسیونالیستی و اسلامی واقعا منافع تنفس در زندگی و فضای فرهنگی و فکری جامعه را در ایران را مسدود کرده اند و مقابله سیاسی و فرهنگی با آنها یک امر عاجل و اجتناب ناپذیر است سد و مانع اصلی در شرایط حاضر جمهوری اسلامی است و استبداد مذهبی، بدون شک عامل اصلی در ابقا و تداوم این فرهنگ ارتجاعی شرقی - اسلامی بوده و هست جنبش آزادیخواهی زنان و جنبش جوانان برای خلاصی فرهنگی باید با شعار آزادی و برابری، با مبارزه برای کنار زدن مذهب از زندگی اجتماعی مردم و مذهب زدایی و در وهله اول با سرنگونی جمهوری اسلامی خود را از چنبره این فرهنگ و دین عتیق و عقب مانده خلاص کند اسلام و این فرهنگ هیچ رنگی از انسانیت ندارد و باید هرچه زودتر از شر آن خلاص شد

تغییر آدرس ای - میل کورش مدرسی

لطفا برای تماس با کورش مدرسی از یکی از آدرسهای جدید ای - میل و یا

تلفن وی استفاده کنید

koorosh.modarresi@gmail.com
koorosh@hekmatist.com

تلفن: ۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

آدرس قبلی یعنی koorosh@ukonline.co.uk بزودی از

اعتبار خواهد افتاد

دبیر خانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۹ ژانویه ۲۰۰۴

پرتو، برنامه ای از حزب حکمتیست

تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تلویزیون پرتو، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادخواه و برابری طلب است. برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دستاران آزادی و برابری توصیه کنید. تلویزیون پرتو تریبون از آن همه کسانی است که در خفقان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند. این برنامه ها هر چهارشنبه ۷:۲۰ تا ۸:۲۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدظهر به وقت اروپای مرکزی و ۲ تا ۳ صبح به وقت امریکای غربی) از کانال یک پخش می شود. این برنامه ها پنجشنبه ها ساعت ۷:۲۰ تا ۸:۲۰ صبح به وقت تهران مجددا پخش می شود. برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

مشخصات کانال:

Telstar 12

Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17.4687ms
inf Rate: 24.148Mbps
Video PID 1760
Ahdio PID 1720
FEC: 3/4

Telstar 5

Freq: 12.090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20 000
FEC: 3/4

به سازمان جوانان

کمونیست - مکتیست
پیوند در دا

از این سایت ها دیدن کنید:
www.sjk-hekmatist.com
www.hekmatist.com
www.iskraa.com
www.m-hekmat.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com

تماس با سازمان جوانان
کمونیست - مکتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۳۳۶۱۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی
fatahi100@yahoo.com

مسئول خارج کشور:

جمال کامانگر

jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۶۹

مسئول مانی: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۲۴۲۴۵